

# شاهپور و دوگانگی

تحلیلی از عباس پورگرامی

حکیم ابولقاسم فردوسی، ابر مرد بی بدیل ادب ایران، پادشاهی شاهپور دوم (ذوالاکتاف) را با دقت و مهارت بسیار سروده و برای پارسی زبانان به یادگار گذاشته است. این حماسه حکایتی است از هفتاد سال پادشاهی پر ماجرای شاهپور و پیروزی ایرانیان در جنگهای متعدد از جمله با اعراب و رومیان

گویا ترین فصل این حماسه ماجرای دو ایرانی در برخوردشان با شاهپور است. از آنها یکی با اشکار کردن هویت شاه ایران به یصر روم منجر به اسارت حقارت امیز شاهپور شده و بانی حمله ویرانگر روم به ایران می شود. و دیگری با آزاد کردن شاهپور از ان اسارت حقارت امیز موجب بازگشت او به سلطنت و نجات ایران می گردد

راستی علت این دوگانگی در راه خدمت به میهن چیست؟ علل خیانت به میهن کدامست؟ چطور می توان میهن دوستی را ترویج و تشدید کرد؟

داستان از انجا آغاز می شود که شاهپور تصمیم می گیرد برای سنجش نیروی نظامی روم شخصا به انجا سفر کند. بدین منظور در لباس بازرگان با کاروانی از سی شتر که بارشان مملو از پول و جواهر است رهسپار روم می شود. در روستایی شاهپور مهمان کدخدا شده و از او می خواهد که به دربار قیصر آمدن کاروان را خبر داده و وقت ملاقات بگیرد. قیصر شاهپور را به مهمانی دعوت کرده و از او پذیرایی شایانی می نماید. در ان مهمانی فردی ایرانی حضور دارد که شاهپور را شناخته و هویت او را نزد قیصر فاش می کند که منجر به دستگیری شاه ایران در دربار قیصر روم می شود. برای حقیر مردن شاهپور، قیصر دستور می دهد که او را در چرم خر دوخته و در خانه ای زندانی کنند و به او فقط در حد زنده ماندن خوراک بدهند

ز دینار و از گوهران بار کرد  
از ان سی شتر بار دینار کرد

نگه کرد قیصر به شاهپور گرد  
ز خوپی دل و دیده او را سپرد

جفا دیده ایرانی بی بد به روم  
چنان چون بود مرد بیداد شوم

شهنشاه شاهپور گویم که هست  
به گفتار و دیدار و فر و نشست

همی گفت هر کس که این شور بخت  
همی پوست خر جست و بگذاشت تخت

با حذف شاهپور، قیصر به ایران حمله می کند و دست به ویرانی مهیب و کشتاری مخوف می زند و مسیحیان را بر سرزمین زردشت مسلط می کند. بسیاری از ایرانیان که نا آگاه از سرنوشت پادشاه هستند برای حفظ جان مجبور به پذیرش مسیحیت یا ترک وطن می شوند

چو قیصر به نزدیک ایران رسید  
سپه یک به یک تیغ کین برکشید

به ایران زن و مرد و کودک نماند  
همان چیز بسیار و اندک نماند

از ایران بی اندازه ترسا شدند  
همه مرز پیش سکوبا شدند

زندانبان شاهپور، بانو ماهرخ، یک ایرانی تبار است که به اجدادش افتخار می کند. او با آگاه شدن از هویت شاهپور از او برای نجاتش چاره جو می شود. شاهپور از او می خواهد که شیر گرم تهیه کرده و چرم خر را هر روز با آن اغشته کند تا چرم نرم شود. سرانجام بعد از دو هفته چرم پاره شده و شاهپور رها می شود. در روزی که مردم شهر در جشن و سرور هستند ماهرخ دو اسب برای فرار خود و پادشاه فراهم می کند و هر هردو با عجله عازم ایران می شوند

کنیزی نبودی ز شاهپور شاد  
از ان کش ز ایرانیان بد نژاد

شب و روز از ان چرم گریان بدی  
دل او ز شاهپور بریان بدی

دو هفته سپهر اندرین گشته شد  
به فرجام چرم خر اغشته شد

دو اسب و دو گوپال و تیر و کمان  
به پیش تو ارم به روشن روان

شاهپور با رسیدن به میهن مهمان باغبانی می شود و از وضعیت ایرانیان در زیر سلطه رومیان مطلع می گردد. شاهپور از باغبان می خواهد که تکه گلی را که با نگین شاهی مزین کرده است نزد موبد موبدان برده و او را از احوال پادشاه با خبر کند موبد موبدان به نزد شاهپور می شتابد و به او کمک می کند تا لشکری عظیم برای آزادی ایران فراهم کند. ایران در جنگ علیه روم پیروز شده، قیصر را اسیر کرده، و کشور از سلطه بیگانه رها می شود. در پایان شاهپور یکی از بزرگان روم بنام برانوش را بعنوان قیصر جدید انتخاب می کند و با دریافت غرامت، صلح بین دو کشور را برقرار می کند

سوی شهر ایران نهادند روی  
دو خرم نهان شاد و ارامجوی

بدو باغبان گفت کین خان تست  
تن باغبان نیز مهمان تست

ز بس غارت و کشتن مرد و زن  
پراکنده گشت ان بزرگ انجمن

بدو گفت کین گل به موبد سپار  
نگر تا چه گوید همه گوش دار

سپه را به لشکرگه اندر کشید  
بزد دست و گرز گران بر کشید

سرانجام قیصر گرفتار شد  
و زو اختر نیک بیزار شد

فردوسی بار دیگر نبوغ خود را در بیان داستانی چنین شورانگیز ابراز می کند و یادآور می شود که ایرانیان در میهن دوستی کاملاً متفاوت هستند. از یک طرف فردی خیانتکار شاهپور را به اسارت می کشد و مسبب ویرانی کشور و نابودی هموطنانش می گردد. از جانب دیگر انسانی فداکار موجب رهایی شاهپور شده و برای بازگشت او به سلطنت و نجات وطن جانش را به خطر می اندازد

این فراز و فرود در حماسه شاهپور نمادی از دوگانگی ایرانیان در خدمت به میهن می باشد چنانکه از آن دو ایرانی یکی خاین و دیگری خادم است. علل خیانت به میهن شامل انگیزه فردی، نارضایتی و کینه، یا اختلاف عقیدتی می باشد که موجب از بین رفتن علاقه و اعتماد نسبت به سرزمین مادری می گردد

انگیزه فردی شامل دریافت پول، ایجاد رابطه جنسی یا قول رسیدن به مقام می باشد. نارضایتی و کینه می تواند بخاطر ظلم و تبعیض حکومتی-اداری به فرد، خانواده، گروه، یا قوم بخصوصی باشد که حس انتقام جویی را ایجاد می کند. اختلاف عقیدتی ممکن است تمایل به براندازی را در فرد پدید آورده و برای رسیدن به آن هدف بر علیه سیستم سیاسی فعال شود

البته از دیدگاهی متفاوت، عدالت اجتماعی و رفاه اقتصادی میهن دوستی را در مردم تقویت می نماید. یک سیستم سیاسی منسجم و منصف که برای همه افراد جامعه فرصت های متعادل جهت فراگرفتن دانش و فرایافتن اسایش ایجاد کند می تواند انگیزه برای خدمت به میهن را ترویج و تشدید کرده و خیانتکاران را مردود نماید